



ISSN:2588-3291



فصلنامه علمی-پژوهشی عصر آدینه
ویژه هنر موعود
سال یازدهم-شماره بیست و هفتم
پاییز ۱۳۹۷

ذوق ادبی شیخ بهایی در خدمت معارف مهدوی*

مصطفی ورمزیار^۱

مرضیه ورمزیار^۲

چکیده

شیخ بهایی از جمله علمای ذوفنون است که در شعر فارسی و عربی ذوق ادبی سرشاری دارد و این قریحه شعری در آثار علمی وی نیز پدیدار است. شیخ از این ذوق سرشار برای معرفی امام زمان (عج) و تبیین معارف مهدویت بهره‌ها برده است. قصیده طولانی «الفوز والأمان فی مدح مولانا صاحب الزمان (عج)» که به زبان عربی برای حضرت امام عصر (عج) سروده، شاهد بر این مدعاست. شیخ بهایی همچنین بخش مهمی از قصیده «مدح الکرام» خود را که در شأن ائمه هدی (عج) سروده به امام مهدی (عج) اختصاص داده است. علاوه بر این در موارد متعدد دیگری در دیوان شعرش به این موضوع پرداخته است. اینها جلوه‌هایی از اظهار ارادت‌های شیخ به ساحت امام مهدی (عج) است که خود برخی از آنها را از بهترین سروده‌هایش معرفی کرده است.

واژگان کلیدی

مهدویت، شیخ بهایی، شعر مهدوی، هنر مهدوی، قصیده الفوز والأمان، قصیده مدح الکرام.

* تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۹

۱. سطح چهار حوزه و عضو هیئت علمی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم، ایران (نویسنده مسئول) (Mova277@yahoo.com).

۲. دانشجوی دکتری اخلاق اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم، ایران (varmazyar14@gmail.com).

بهای شعر در معارف اهل بیت علیهم السلام

سرودن شعر درباره اهل بیت علیهم السلام در راستای تعظیم شعائر الهی است که خداوند به آن فرمان داده (حج: ۳۲)^۱ و روایات بر آن ترغیب نموده است. خانه بهشتی^۲ (صدوق، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۱۵؛ حرعاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۴، ۵۹۷)، شهر بهشتی^۳ (صدوق، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۱۵؛ حرعاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۴، ۵۹۸) و تأیید روح القدس^۴ (صدوق، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۱۵؛ حرعاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۴، ۵۹۷ - ۵۹۸) از جمله پاداش های وعده داده شده، در این باره است. اینها ارزشمند است؛ اما آن چه باعث شده است تا دوستان اهل بیت علیهم السلام از جان و دل و با هر زبان به ویژه به نظم، ایشان را مدح نمایند، معرفت و محبت به این خاندان است.

هشام بن عبد الملک، امام سجاد علیه السلام را در حال طواف می بیند، او را می شناسد؛ اما با بی اعتنائی از شاعر مخصوص خودش، فرزاد می پرسد او کیست؟ وی از این پرسش گستاخانه هشام خشمگین شده و فی البداهه قصیده ای زیبا در سی بیت در منقبت آن حضرت می سراید، هشام با ناراحتی به فرزاد رو کرده و می پرسد تو شاعر مخصوص مایی چرا از این اشعار برای ما نمی گویی فرزاد پاسخ می دهد جدی مانند جد او، پدر و مادری مانند پدر و مادر او داشته باش تا در شأن تو هم این گونه شعر بگویم، این کار و این پاسخ، هشام را خشمگین کرده و مستمری سالیانه فرزاد به مبلغ هزار دینار قطع می شود، و فرزاد راهی زندان می شود، امام سجاد علیه السلام، دوازده هزار درهم برای او می فرستد و از کمی مبلغ عذر خواهی می کند فرزاد صله را قبول نکرده و عرض می کند من این شعر را برای خشم مقدس و برای رضای خدا سرودم، و بعد با اصرار حضرت، پول را قبول می کند. (مفید، ۱۴۱۴ق: ۱۹۳ - ۱۹۴؛ سید مرتضی، ۱۳۲۵ق: ج ۱، ۴۸ - ۴۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق: ج ۳، ۳۰۷؛ قطب الدین الراوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۲۶۷؛ بحرانی، ۱۴۱۴ق: ج ۴، ۳۹۷)

۱. «ذَلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ».

۲. قال أبو عبد الله علیه السلام: «من قال فينا بيت شعر بني الله تعالى له بيتا في الجنة».

۳. سمعت الرضا علیه السلام يقول: «ما قال فينا مؤمن شعرا يمدحنا به إلا بني الله له مدينه في الجنة أوسع من الدنيا سبع مرات يزوره كل ملك مقرب وكل نبي مرسل».

۴. أبي عبد الله علیه السلام قال: «ما قال فينا قائل بيتا من الشعر حتى يؤيد بروح القدس».

معرفی شیخ بهایی

شیخ بهاء الدین عاملی، محمد بن الحسین بن عبدالصمد الحارثی، معروف به «شیخ بهایی» غروب روز چهارشنبه هفدهم یا بیست و هفتم ذی الحجة سال نهصد و پنجاه و سه قمری در شهر بعلبک زاده شد (علامه امینی، ۱۳۹۷ق: ج ۱۱، ۲۸۰؛ آقا بزرگ طهرانی، بی تا: ج ۲، ۴۲۶؛ ج ۲۵، ۳۸؛ زرکلی، ۱۹۸۰م: ج ۶، ۱۰۲)، نسب او به حارث همدانی یکی از عرفای تابعی شیعه در صدر اسلام می رسد. (علامه امینی، ۱۳۹۷ق: ج ۱۱، ۲۴۹) وی در روز سه شنبه دوازدهم ماه شوال سال هزار و سی و یاسی و یک در شهر اصفهان دیده از جهان فرو بست. بنا بر وصیت خود او، بدن مبارکش را به مشهد مقدس منتقل کردند و در جوار بارگاه ملکوتی امام رئوف در نزدیکی ضریح به خاک سپرده شد. (علامه امینی، ۱۳۹۷ق: ج ۱۱، ۲۸۰-۲۸۱؛ آقا بزرگ طهرانی، بی تا: ج ۱۴، ۲۶۹؛ ج ۲۵، ۳۸) شخصیت علمی وی، دارای ابعاد بسیاری است که بر کسی پوشیده نیست، وی از جمله نوابغ دنیای اسلام است و در زمره معدود عالمان ذی فنون قرار می گیرد. از او کتاب های ارزشمندی (هشتاد و هشت کتاب) در علوم مختلف برجای مانده است. (آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۴ق: ج ۹ ق ۱، ۱۴۳) شیخ بهایی عالمی ادیب است که در زمره شعراء شیعی شمرده می شود و دارای اشعار زیادی به زبان عربی و فارسی است. (علامه امینی، ۱۳۹۷ق: ج ۱۱، ۲۴۹؛ و زرکلی، ۱۹۸۰م: ج ۶، ۱۰۲)

مقام شعری شیخ بهاء الدین عاملی

شیخ بهایی دارای ذوق ادبی سرشاری بود. اشتغالات علمی موجب دور شدن وی از عرصه هنر نشد. وی نه تنها به زبان فارسی که به زبان عربی نیز شعر گفته است. انعکاس اشعار او در نوشته های نسل های بعد شاهدی بر زیبایی و اهمیت این اشعار است. علاوه بر دیوان و قصیده هایی که از او برجای مانده، بسیاری از تألیفات وی به صورت شعری یا نثر مسجع نگارش شده است. (علامه امینی، ۱۳۹۷ق: ج ۱۱، ۲۷۲-۲۷۹؛ آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۴ق: ج ۹ ق ۱، ۱۴۴)

دیوان وی را سعید نفیسی جمع آوری کرده و دارای ۲۵۵۳ بیت است. (آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۴ق: ج ۹ ق ۱، ۱۴۳) اشعار عربی اش را نیز حسین علی محفوظ، گردآوری نموده است. (همو، بی تا: ج ۹ ق ۲، ۶۷۸)

مثنوی های نان و حلوا (قصائد السوانح الحجازية) در (۴۰۸ بیت) و نان و پنیر در (۳۰۹ بیت) و طوطی نامه در (۱۴۳ بیت) و شیر و شکر در (۱۴۲ بیت) و شیخ ابوالپشم و بی بی تمیز خالدار از سروده های اوست. از اینها فقط طوطی نامه به چاپ نرسیده است. (همو، ۱۳۷۴ ق: ۹، ۱۴۳؛ همو، بی تا: ج ۱۵، ۱۸۱)

اشعار دیگری با نام های پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش (همان: ج ۳، ۱۹۹)، ریاض الأرواح در چهل بیت (همو، ۱۴۰۳ ق: ج ۱۱، ۳۱۸)، الزاهرة در توصیف هرات در صد بیت (همو، ۱۴۰۳ ق: ج ۱، ۵۰۵؛ همو، بی تا: ج ۱۲، ۱۳) از ایشان برجای مانده است.

مناجات نامه (همان: ج ۲۲، ۲۴۱) و غدیریه (علامه امینی، ۱۳۹۷ ق: ج ۱۱، ۲۴۴) نیز از جمله اشعار وی است.

از کتب علمی ایشان که به نظم درآمده است، می توان به شرح چغمنی در دو هزار بیت (آقا بزرگ طهرانی، بی تا: ج ۱۳، ۱۷۷) و حاشیه بر رسالة فی الکعب در پانصد بیت (همان: ۱۸، ۸۴) اشاره کرد.

وی دو کتاب با نام های عین الحیات در سه هزار بیت (همان: ج ۱۵، ۳۶۹) و تفسیر سورة فاتحه در حدود چهارصد بیت (همو، ۱۴۰۶ ق: ج ۲۶، ۲۱۹) در علم تفسیر نگاشته است. در کتاب های المخلاة (همو، بی تا: ج ۲۰، ۲۳۲) و کشکول (بهاء الدین عاملی، ۱۴۲۰: ۱) نیز می توان اشعاری از وی یافت.

شیخ بهایی و مهدویت

شیخ بهاء الدین عاملی علاوه بر اشعار مهدوی و مطالبی که پیرامون مهدویت در ضمن شرح حدیث سی و ششم در کتاب الأربعون حدیثاً ارائه فرموده است؛ (همو، ۱۴۳۱ ق: ۴۳۵-۴۳۰) در موضوع امام مهدی علیه السلام، رساله ای نیز با نام اثبات وجود القائم علیه السلام و یا اثبات وجود صاحب الزمان علیه السلام نگاشته است. (آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ ق: ج ۱، ۱۱۰؛ همو، بی تا: ج ۲۱، ۸-۹)

اشعار مهدوی شیخ بهایی

قصیده «الفوز و الأمان»

شیخ بهایی یک قصیده مستقل در مهدویت با نام «قصیده الفوز و الامان» و یا «وسيلة الفوز والأمان فی مدح صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه)» از نوع بحر طویل سروده و به قصیده راثیه شیخ بهایی نیز معروف شده است. این سروده نزدیک به چهل و نه بیت است که با این مطلع آغاز می‌گردد:

سرى البرق من نجد فجَدَّ تذكّارى

عموداً بخُزوى والعُذیبِ وذیقار

(بهاء الدین عاملی، ۱۴۲۰: ج ۱، ۲۳۱-۲۳۴؛ همو، ۱۴۳۱ق: ۳۹-۴۱؛ آقا بزرگ طهرانی، بی‌تا: ج ۱۶، ۳۷۳؛ علامه امینی، ۱۳۹۷ق: ج ۱۱، ۲۷۹)

براین قصیده شرح‌های فراوانی نگاشته شده است. شیخ احمد ابن علی بن عمر عدوی دمشقی مشهور به (المنینی) متوفی ۱۱۷۲ق از نخستین شارحان این قصیده در سال ۱۱۵۱ قمری است. (آقا بزرگ طهرانی، بی‌تا: ج ۳، ۲۵۷؛ ج ۱۶، ۳۷۳)

کتاب *من الرّحمن فی شرح قصیده الفوز والأمان فی مدح صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه)*، نیز از تألیفات شیخ جعفر نقدی در این زمینه است. (همان: ج ۲۳، ۱۵۲؛ علامه امینی، ۱۳۹۷ق: ج ۱۱، ۲۷۹)

برخی نیز به تقلید از شیخ بهایی با همین وزن و قافیه شعرها سرودند که از آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

شیخ جعفر محمد خطی بحرانی (متوفی ۱۰۲۸)؛ او این کار را به درخواست شیخ بهائی انجام داد، وی برای این کار سه روز مهلت گرفت؛ اما پس از اندکی تأمل، فی المجلس قصیده را سرود و نامش را «معارضة الفوز والأمان» نهاد. این شعر با مطلع ذیل آغاز می‌شود:

هی الدار یستسقیك مدمعک الجاری

فسقیا فخیرالدمع ما کان للدار

(آقا بزرگ طهرانی، بی‌تا: ج ۱۶، ۳۷۳-۳۷۴؛ همو، ج ۲۱، ۱۸۶؛ علامه امینی، ۱۳۹۷ق: ج ۱۱، ۲۷۹)

علی بن زیدان عاملی متوفی ۱۲۶۰ نیز شبیه این کار را با این مطلع سرود:

حنانیک هل فی وقفة أيها الساري

على الدار في حكم الصبابة من عار؟

(علامه امینی، ۱۳۹۷ق: ج ۱۱، ۲۷۹)

همچنین امیرسید علی بن خلف مشعشی حویزی این همسرایی را با این قصیده ادامه داد:

هی الدار ما بین العذیب وذی قار

عنت غیر سحرم ما ثلاث وأحجار

(همان)

نوه محدث جزائری، سید عبدالله بن سید نورالدین بن محدث جزائری موسوی تستری (متوفی ۱۱۷۳) نیز از این قصیده بهره برد. وی با جانمایی اشعار خودش در این قصیده (تشطیر) کار نویی ارائه داد. او نام قصیده خود را «تشطیر وسیلة الفوز والأمان» گذاشت و با این مطلع شروع نمود:

سری البرق من نجد فجدد تذكاري سؤالف أنستها تصاريف أعصار

عهدودا بحزوی والعذیب وذی قار

(آقا بزرگ طهرانی، بی تا: ج ۴، ۱۹۱)

در میان معاصران نیز افرادی به شرح و تبیین این قصیده پرداختند:

فهیمة فهیمة نژاد در مقاله ای با نام «ترجمه و شرح قصیده ی وسیلة الفوز والأمان فی مدح مولانا صاحب الزمان علیه السلام» در فصل نامه سفینه تابستان ۱۳۸۵، شماره ۱۱ و سید ابوالفضل سجادی و ابراهیم أناری بزچلوئی در مقاله ای با نام «دراسة قصيدة الفوز والأمان فی مدح صاحب الزمان علیه السلام» در فصل نامه آفاق الحضارة الإسلامية، سال چهاردهم شماره اول ۱۴۳۲ق، به این مهم پرداختند.

قصیده «مدح الکرام»^۱

شیخ بهایی قصیده دیگری در شأن ائمه علیهم السلام دارد که با این مطلع آغاز می گردد:

یا کراماً صبرنا عنهم محال إن حالي بعدكم فی شرّ حال

۱. این نام گذاری توسط نگارنده با الهام از خطاب شیخ نسبت به ائمه علیهم السلام با کلیدواژه «یا کراماً» که دوبار در این قصیده تکرار شده، انجام گرفت.

ای بزرگوارانی که صبر ما بر دوری شما محال است، حال من پس از شما و در فراق شما بدترین احوال است.

پس از مدح ائمه علیهم السلام به صورت جمعی، چند بیتى نیز به شکل خاص درباره امام زمان علیه السلام می‌سراید:

هُم كَرَامٌ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ مَزِيدٍ مَنْ يَمُتْ فِي حُبِّهِمْ يَمْضَى شَهِيدٌ
آنها بخشنده‌گانی دانشمند هستند که کسی در کرم و بخشش به ایشان نمی‌رسد و هرکس که در محبت ایشان بمیرد، شهید است.

مَثَلٌ مَقْتُولٍ لَدَى الْمَوْلَى الْحَمِيدِ أَحْمَدَى الْخُلُقِ مَحْمُودِ الْفِعَالِ
مانند کشته شده در پیشگاه مولای حمید است، محبوب من، اخلاق احمدی علیه السلام و افعال نیکو و پسندیده دارد.

صاحب العصر الإمام المنتظر مَنْ بِمَا يَأْبَاهُ لَا يَجْرَى الْقَدَرُ
او صاحب عصر و زمان و حضرت مهدی علیه السلام، امام منتظر است، کسی که مقدرات الهی از مجرای او جاری می‌شود. (او مظهر مشیت الهی است)

حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ الْبَشَرِ خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ الْخِصَالِ
ایشان حجت خداوند متعال بر تمامی انسان‌ها و در همه خصلت‌های نیکو و کمالات انسانی بهترین مردم روی زمین است.

مَنْ إِلَيْهِ الْكَوْنُ قَدْ أَلْقَى الْقِيَادَ مَجْرِيًّا أَحْكَامَهُ فِيمَا أَرَادَ
کسی که عالم وجود، زمام خود را به دست او سپرده است و احکام عالم براساس آن چه او اراده کند انجام می‌شود.

إِنْ تَزَلَّ عَنْ طَوْعِهِ السَّبْعُ الشَّدَادَ خَرَّ مِنْهَا كُلُّ سَامِي السَّمَكِ عَالٍ
اگر آسمان‌های هفت‌گانه (هفت آسمان) از اطاعت کردن فرمان او سرپیچی کنند، هر چیز بلند مرتبه که در آن باشد، به پائین سقوط خواهد کرد و نابود خواهد شد.

شَمْسُ أَوْجِ الْمَجْدِ مَصْبَاحُ الظَّلَامِ صَفْوَةُ الرَّحْمَانِ مِنَ الْأَنْعَامِ
او خورشید فروزان در اوج قله مجد و روشنی بخش تاریکی‌ها و برگزیده خداوند رحمان از میان مردمان است.

الإمام بن الإمام بن الإمام قُطْبُ أَفلاكِ الْمَعَالِي وَالْكَمَالِ
ایشان امام پسر امام پسر امام است. محور بلند مرتبگی و کمال است.

فأق اهل الأرض فى عز، وجاه وارتقى فى المجد أعلى مرتقاه
اودر بزرگواری و مقام و عظمت بر تمام اهل زمین برتر شده و در مجد به عالی ترین
مراحل ارتقاء یافته است.

لوملوك الأرض حلوا فى ذراه كان أعلى صفهم صف النعال
اگر پادشاهان و فرمانروایان روی زمین بخواهند در جایگاه و مقام او قدم نهند، بالاترین
جایگاه لایق آنها، پائین ترین جای مجلس و در کنار کفش کن خواهد بود.
ذواقداران یشأ قلب الطباع صیر الأظلام طبعاً للشعاع
او صاحب اقتداری است که اگر بخواهد طبیعت ها را دگرگون کند، سایه ها و
تاریکی ها را به نور و روشنی مبدل خواهد نمود.

وارتدى الإمكان بُرد الامتناع قدرة موهوبة من ذی الجلال
و بر ممکنات عالم، ردای امتناع را می پوشاند و این قدرتی است که از سوی خداوند
ذی الجلال به او اهداء شده است.

یا آمین الله یا شمس الهدی! یا إمام الخلق یا بحر الندی!
ای امین خداوند متعال و ای خورشید هدایت، ای پیشوای خلائق و آفریدگان روی
زمین و ای دریای جود و کرم!

عجلن عجل فقد طال المدى واضمحلّ الدين واستولى الضلال
شتاب کن، بسیار شتاب کن، چرا که مدت دوری و فراق، به درازا کشیده است و دین
در آستانه نابودی و گمراهی و ضلالت غالب شده است.
هاکها مولای یا نعم المجیر من موالیک البهائی الفقیر
ای مولای خلائق و آفریدگان و ای بهترین پناه دهندگان، این شعر پیشکش توسست که
از دوستان و دوستانان تو، بهائی فقیر، به تو اهداء می شود.

مدحہ یعنولمعاها جریر نظمها یزری علی عقد اللال
مدح و ثنایی (سروده ام درباره امام مهدی علیه السلام) که جریر شاعر، در برابر معانی بلند آن به
رنج و زحمت می افتد و نظم این اشعار برتر از گردن بند لؤلؤ است.

یا ولی الامر یا کھف الرجا مسئی الضر و انت المرتجی
ای حضرت ولی امر وای پناهگاه امید، رنج ها من را آزرده خاطر نموده و تو پناه و مایه
امید من هستی.

والکَریم المستجار الملتجأ غیر محتاج الی بسط السؤل
ای صاحب کرامت و بزرگواری! ای ملجأ و ای مایه امید! ای آن که که نیازی به شرح
حاجت نداری و خود از همه چیز آگاهی!
(بهاء الدین عاملی، ۱۴۲۰: ج ۱، ۲۴۲-۲۴۴؛ همو، ۱۴۳۱ق: ۳۷-۳۹)

الهی نامه ها

شیخ بهایی در سه مناجات نامه خود، خدا را به مقام ائمه علیهم السلام و از جمله امام زمان
قسم داده و عرض حاجت نموده است:
در مناجات اول با این شعر آغاز می کند:
الهی الهی، به حق پیمبر الهی الهی، به ساقی کوثر
تا می رسد به این بیت که:
الهی الهی، به مهدی هادی که او مؤمنان راست هادی و رهبر
که بر حال زار بهائی نظر کن به حق امامان معصوم، یکسر
(بهاء الدین عاملی، ۱۳۵۲ش: ۶۲)

و در مناجات دوم با این بیت شروع می کند:
دلا تا به کی، از در دوست دوری گرفتار دام سـرای غـروری؟
و دعا و توسل خود را با این نوا آغاز می نماید:
دو دست دعا را برآور، به زاری همی گوبه صد عجز و صد خواستاری
الهی به زهرا، الهی به سبطین که می خواندشان، مصطفی قره العین
تا به امام زمان علیه السلام می رسد و عرض می کند:

الهی به مهدی که سالار دین است	شه پیشوایان اهل یقین است
که بر حال زار بهائی عاصی	سردفتراهل جرم و معاصی
که در دام نفس و هوی اوفتاده	به لهو و لعب، عمر برباد داده
بیخشا و از چاه حرمان برآرش	به بازار محشر، مکن شرمسارش
برون آرش از خجلت رو سیاهی	الهی، الهی، الهی، الهی

(بهاء الدین عاملی، ۱۳۵۲ش: ۵۷)

و در سومین مناجات خود عرضه می دارد:
زین رنج عظیم، خلاصی جو دستی به دعا بردار و بگو

یارب، یارب، به کریمی تو به صفات کمال رحیمی تو
 یارب، به نبی و وصی و بتول یارب، به تقرب سبطین رسول
 و این مناجات را تا امام مهدی علیه السلام ادامه می دهد:

یارب، به حسن، شه بحر و بر به هدایت مهدی دین پرور
 کاین بنده مجرم عاصی را وین غرقه بحر معاصی را
 از قید علائق جسمانی از بند وسوس شیطانی
 لطفی بنما و خلاصش کن محرم به حریم خواصش کن
 یارب، یارب، که بهائی را این بیّه گداز هوائی را
 که به لهو و لعب، شده عمرش صرف ناخوانده ز لوح و فایک حرف
 زین غم برهان که گرفتارست در دست هوی و هوس زارست
 در شغل ز خارف دنیوی دون مانده به هزار امل، مفتون
 رحمی بنما به دل زارش بگشابه کرم، گره از کارش
 زین بیش مران، ز در احسان به سعادت ساحت قرب رسان
 وارسته ز دنیوی دونش کن سر حلقه اهل جنونش کن
 (بهاء الدین عاملی، ۱۳۵۲ ش: ۲۷-۲۸)

رباعیات عربی

برخی از اشعار ایشان نیز گرچه صراحت در بحث مهدویت ندارد؛ اما شاید بتوان به خاطر وجود کلیدواژه هایی مانند غیبت، فراق، هجران، قرب، حضور و وصل، ادعا کرد که این اشعار نیز دارای مضامین مهدوی هستند.

أهوی رشأ عرضنی للبلوی ما عنه لقلبی المعنی سلوی
 کم جئت لأشتکی فمذ أبصرنی من لذ تقربه نسیت الشکوی
 این شعر مضمونی همانند آن شعر معروف دارد که می فرماید:

گفته بودم چو بیایی غم دل با تو بگویم چه بگویم که غم از دل برود چون تو بیایی
 یا غائب عن عینی لا عن بالی القرب إليك منتهی آمالی
 أيام نواك لا تسأل کیف مضت والله مضت بأسواء الأحوال
 ای غایب از دیدگان من که از ذهن و خاطرم بیرون نیستی؛ نزدیکی به تو، بزرگ ترین آرزوی من است.

از ایام هجرانت که بر من چه گذشت، می‌رس؛ به خدا قسم که در بدترین حالت‌ها سپری شد.

یا بدر دجی خیاله فی بالی منذ فارقنی وزاد فی بلبالی
ایام نواک لا تسئل کیف مضت والله مضت بأسوء الأحوال
(بهاء الدین عاملی، ۱۴۲۰: ۱، ۴۶)

یا بدر دجی بوصله أحيانی إذ زاروكم بهجره أفناني؟
بالله عليك عجلن سفك دمی لا طاقة لي بليلة الهجران
(همان: ۱۸۷)

این دو شعر نیز مضمونی شبیه رباعی قبل دارند و از سختی فراق شکوه می‌کنند:

لما نظر الجسم نحيفا نهكا من فرقته رق لضعفی وبکی
وارتاح وقال لی أما: قلت لکا ما یمكنك الفراق ما یمكنکا؟
هنگامی که به جسم لاغرو ضعیف من نگاه کرد؛ که از فراقش به این روز افتاده است،
دلش به ضعف من سوخت. گریه کرد و به من گفت آیا به تو گوشزد نکردم؛ که طاقت
فراق و هجران نداری!

یا بدر دجی فراقه الجسم أذاب قد ودّعتی فغاب صبری إذ غاب
بالله عليك أي شيء قالت عیناک لقلبی المعنی فأجاب؟
ای ماه شب تاری که فراقش جسم را آب کرده است؛ با من وداع کرده و پرکشید و با
پنهان شدنش صبر مرا برده
تورا به خدا چه گفت؛ چشمانت با قلب رنجورم که پاسخ داد؟

مخمس^۱

گمان برخی درباره مخمس شیخ بهاء که با مطلع
تاکی به تمنای وصال تو یگانه اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه
خواهد به سرآید، شب هجران تو یانه؟ ای تیر غمت را دل عشاق نشانه
جمعی به تو مشغول و تو غایب ز میانه

۱. مخمس ترکیب که گاهی آن را مخمس و یا ترکیب مخمس نیز خوانند نوعی از ترکیب بند است که خانه‌های آن کوچک و کوتاه باشد و پنج مصراع در آن گنجانده شود. (همایی، ۱۳۸۹: ۱۳۱-۱۳۲)

آغاز می‌شود براین است که شعری مهدوی است و مصرع «جمععی به تو مشغول و تو غایب ز میانه» این گمانه را تقویت می‌کند؛ اما این برداشت با مضامین بعدی شعر ناسازگار است زیرا ابیات بعدی مانند:

رفتم به در صومعه عابد و زاهد دیدم همه را پیش رخت راکع و ساجد

حاجی به ره کعبه و من طالب دیدار او خانه همی جوید و من صاحب خانه
مقصود من از کعبه و بتخانه تویی تو مقصود تویی کعبه و بتخانه بهانه

هر کس به زبانی صفت حمد تو گوید بلبل به غزلخوانی و قمری به ترانه و دیگر نکات در این شعر ثابت می‌کند که معشوق شیخ در این اشعار خداوند است.

هنرنمایی شیخ بهاء در اشعار مهدوی

شیخ بهاء الدین عاملی در اشعار پیشین، معارف مهدویت را به نظم درآورده و هنر خود را در این عرصه، عرضه کرده است. وی در قصیده «الفوز والامان» تصریح می‌کند که خالصانه‌ترین و زیباترین اشعارش را در مهدویت سروده است:

أُضْرِعَ لِلْبَلَوَى وَأَغْضَى عَلَى الْقَدَى وَأُضْضَى بِمَا يُضْضَى بِهِ كُلُّ مِخْوَارِ
آیا در مقابل بلا، خود را خوار و پست کنم و برای این گرد و غبار بی ارزش چشم فرو بندم
و راضی شوم به آن چه که هر ناتوانی راضی می‌شود؟
وَأُفْرِخَ مِنْ دَهْرِي بِلَذَّةِ سَاعَةٍ وَأَقْنَعُ مِنْ عَيْشِي بِقُرْصٍ وَأُظْمِرِ
آیا در روزگارم به لذت ساعتی شاد شوم و در زندگی ام به گرده نانی و لباس کهنه‌ای
قانع گردم؟

إِذْ لَا وَرَى زَنْدَى وَلَا عَزَّ جَانِبِي وَلَا بَرَّغَتْ فِي قَمَّةِ الْمَجْدِ أَقْمَارِي
وَلَا بُلَّ كَفَى بِالسَّمَاكِ وَلَا سَرَتْ بِطَيْبِ أَحَادِيثِ الرِّكَابِ وَأَخْبَارِي
اگر این گونه بشود پس آتشم روشن نخواهد شد، نیرومند نباشم، ماه من بر قلّه مجد
طلوع نخواهد کرد و دستم با بخشش نمناک نگردد، سواران با عطر خوش سخن و
احادیث پسندیده من در شب تاریک حرکت نکنند و ره نیابند.

وَلَا انْتَشَرَتْ فِي الْخَافَقِينَ فُضَائِلِي وَلَا كَانَ فِي الْمَهْدِيِّ رَائِقُ أَشْعَارِي

و فضایل و برتری‌هایم در خاور و باختر انتشار نمی‌یافت و خالصانه‌ترین و بلندمرتبه‌ترین اشعارم درباره مهدی علیه السلام نبود.

(بهاء الدین عاملی، ۱۴۲۰: ج ۱، ۲۳۱-۲۳۴؛ همو، ۱۴۳۱ق: ۳۹-۴۱)

هم چنین وقتی در دو بیت پایانی قصیده «مدح الکرام»، شعر خود را مخلصانه تقدیم می‌کند:

هاکها مولای یا نعم المجیر من موالیک البهائی الفقیر
ای مولای خلاق و آفریدگان و ای بهترین پناه‌دهندگان، این شعر پیشکش توسست که از دوستان و دوستاران تو، بهائی فقیر به تو اهداء می‌شود.

این شعر را با اشعار برجسته و شاعران برگزیده عرب مقایسه می‌کند:
مدحہ یعنولمعناها جریر نظمها یزری علی عقد الال
مدح و ثنایی که جریر شاعر در برابر معانی بلند آن به رنج و زحمت می‌افتد و نظم این اشعار نسبت به گردن بند لؤلؤ، ترجیح و برتری دارد.

(بهاء الدین عاملی، ۱۴۲۰: ج ۱، ۲۴۲-۲۴۴؛ همو، ۱۴۳۱ق: ۳۷-۳۹)

نتیجه‌گیری

شیخ بهایی به عنوان یک دانشمند ذوفنون شیعه، از استعداد خدادادی خود در قالب هنرنیز بهره گرفته و باور خود به موعود آخرالزمان را برای مخاطبان و علاقمندان به ادبیات و شعر به زیبایی ترسیم نموده است. او امام مهدی علیه السلام و ابعاد وجودی شخصیت وی را از این طریق نیز به جهانیان معرفی می‌کند و به گفته خود بهترین سروده‌هایش به این مهم اختصاص دارد، او می‌تواند الگوی مناسبی برای هنرمندان موعودباور باشد تا در موضوع مهمی همچون مهدویت کار کرده و این باور و ابعاد آن را با زبان هنر به جامعه معرفی نمایند.

بسم الله الرحمن الرحیم

سال یازدهم، شماره ۲۷، پائیز ۱۳۹۷

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴ق/ ۱۹۸۴م)، *عیون أخبار الرضا علیہ السلام*، تصحیح، تعلیق و تقدیم: شیخ حسین أعلمی، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
۲. ابن شهر آشوب (۱۳۷۶ق/ ۱۹۵۶م)، *مناقب آل أبی طالب*، النجف الأشرف، مطبعة الحیدریة.
۳. امینی، عبدالحسین (۱۳۹۷ق/ ۱۹۷۷م)، *الغدیر*، بیروت، دارالکتاب العربی، چهارم.
۴. أناری بزجلوئی؛ ابراهیم، سید ابوالفضل (۱۴۳۲ق)، «دراسة قصيدة الفوز و الأمان فی مدح صاحب الزمان (ع)»، *فصلنامه آفاق الحضارة الاسلامیة*، سال چهاردهم، شماره اول.
۵. بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۴ق)، *مدینة المعاجز*، قم، مؤسسة معارف إسلامی، اول.
۶. بهاءالدين عاملى، محمد بن حسين (۱۴۳۱ق)، *الاربعةون حديثا*، قم، جامعہ مدرسين، سوم.
۷. بهاءالدين عاملى، محمد بن حسين (۱۴۲۰ق)، *الكشكول*، بیروت، مؤسسه أعلمی للمطبوعات، هفتم.
۸. بهاءالدين عاملى، محمد بن حسين (۱۳۵۲ش)، *کلیات اشعار و آثار فارسی*، تهران، کتابفروشی محمودی، اول.
۹. الراوندى، قطب الدين (۱۴۰۹ق)، *الخرائج والجرائح*، قم، مؤسسة الإمام المهدي (عجل الله فرجه)، اول.
۱۰. زرکلی، خیرالدين (۱۹۸۰م)، *الأعلام*، بیروت، دارالعلم للملایین، پنجم.
۱۱. سیدمرتضی، علی بن حسین بن موسی (۱۳۲۵ق/ ۱۹۰۷م)، *الأمالی*، تصحیح و تعلیق: سید محمد بدرالدين النعسانی الحلبي، قم، کتابخانه آية الله العظمی المرعشی النجفی، اول.
۱۲. طهرانی، آقا بزگ (بی تا)، *النریعة*، بیروت، دارالأضواء.
۱۳. طهرانی، آقا بزگ (۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م)، *النریعة*، بیروت، دارالأضواء، سوم.
۱۴. طهرانی، آقا بزگ (۱۴۰۶ق/ ۱۹۸۶م)، *النریعة*، تحقیق: سید أحمد حسینی، بیروت، دارالأضواء، دوم.

۱۵. طهرانی، آقا بزرگ (۱۳۷۴ق/ ۱۹۵۳م/ ۱۳۳۲ش)، الذریعة، طهران، چاپخانه مجلس، اول.
۱۶. عاملی، شیخ حر (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعة، قم، آل البيت علیهم السلام، دوم.
۱۷. فهیمی نژاد، فهیمه (۱۳۸۵ش)، «ترجمه و شرح قصیده‌ی وسیلة الفوز والأمان فی مدح مولانا صاحب الزمان علیه السلام»، فصل نامه سفینه، شماره ۱۱.
۱۸. مفید (شیخ مفید)، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۴ق/ ۱۹۹۳م)، الاختصاص، تحقیق: علی اکبر غفاری؛ سید محمود زرندی، بیروت، دارالمفید، دوم.
۱۹. همایی، جلال الدین (۱۳۸۹ش)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران، اهورا، اول.